

حقوق خبرنگاران و مسئولیت دولت نسبت به خبرنگاران در حین بحران‌ها و درگیری‌ها

عبدالرضا قهرمانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۷

چکیده

حفاظت از خبرنگاران و جلوگیری از زیان وارده به آن‌ها همواره به‌عنوان یک مسئله‌ی مهم مدنظر جوامع حقوقی بین‌الملل و دولت‌ها می‌باشد. قوانین بین‌المللی از جمله پروتکل‌ها و کنوانسیون‌های مرتبط با موضوع مخصصات مسلحانه‌ی دولت‌ها چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، همواره حقوق قانونی و بشردوستانه‌ی افراد را مدنظر قرار داده‌اند؛ هم‌چنین مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، تعهدات بین‌المللی مرتبط با تمامیت جسمانی یا تمامیت معنوی افراد و مسئولیت متقابل در قبال آن را مورد اشاره قرار داده‌اند. هم‌چنین حقوق مربوط به گزارشگران در مناطق جنگ‌زده در صحنه‌ی مخصصات و پوشش رسانه‌ای و تهیه‌ی گزارش در خلال درگیری‌های مسلحانه موردنظر است. با امعان نظر به موارد مذکور، این مقاله درصدد بررسی و تحلیل حول محور این پرسش است که در صورت وارد شدن خسارت به خبرنگاران در خلال مخصصات داخلی دولت‌ها که به‌صورت مسلحانه پیش آمده است، چه آثار و مسئولیت‌هایی را از دیدگاه حقوق بین‌المللی برای آن دولت‌ها پیش‌رو خواهد داشت؟ یافته‌های تحقیق حاضر بیانگر این مطلب است که ورود خسارت به خبرنگاران در خلال مخصصات داخلی برخلاف موازین حقوق بین‌المللی است و دولت‌ها می‌بایستی نسبت به جبران خسارت ناشی از ضرر و جلوگیری از آن اقدام نمایند.

کلید واژه‌ها: مسئولیت دولت، حقوق بین‌الملل، خبرنگاران، مخصصات مسلحانه، رسانه.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): قهرمانی، عبدالرضا (۱۳۹۹، بهار). «حقوق خبرنگاران و مسئولیت دولت نسبت به خبرنگاران در حین بحران‌ها و درگیری‌ها». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال سوم، شماره‌ی اول، صص ۸۹-۱۱۶.

^۱ پژوهشگر ارشد اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه سلام الله علیها، شیراز، ایران. ایمیل: a.r_ghahramani@ut.ac.ir

۱. مقدمه

سابقه‌ی طولانی مخاصمات مسلحانه که به‌نوعی از آن به نزاع و جنگ یاد می‌شود، به‌عنوان یک عنصر موردنظر همیشه در تاریخ بشریت مطرح بوده است. به این علت که همواره دولت‌ها و کشورها امکان دست‌یافتن به منافع و اهداف سیاسی و ملی خود و نیز رفع کشمکش‌های فی‌مابین-شان با دیگر دولت‌ها را از طریق توسل به قوای نظامی و کشورگشایی متصور می‌دانستند که در قالب جنگ‌ها و خصومت‌ها محقق گردیده است و این دلیلی بر درگیری‌های دولت‌ها و محقق دانستن خود در حقوق بین‌المللی تصور می‌گشت، اما با دیدگاه عمیق‌تر حول محور بشری و باورهای بشردوستانه جوامع مترقی‌تر شده، این مطلب که دستیابی به صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و جلوگیری از به وجود آمدن مخاصمات و نزاع‌های تحمیلی باعث رشد و پویایی و توسعه می‌گردد، بیش‌تر مدنظر قرار گرفته است.

با وقوع جنگ‌های تحمیلی و مخاصمات داخلی در عصر حاضر، با عنایت به پیشرفت‌های وسیع در زمینه‌های فناوری‌های نظامی بیانگر این موضوع است که می‌بایست عنایت ویژه‌ای را در مورد کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در جهت حفظ منافع ملی و فردی از سوی دولت‌های عضو انجام شود؛ چرا که نقض این پروتکل‌ها و تخلفات شدید در صورت عمدی بودن و تخلف از کنوانسیون‌ها چه در حقوق داخلی و چه در عرصه‌ی بین‌المللی برخلاف اصول کلی حقوقی و حقوق بین‌المللی بوده و مستوجب انجام اقدامات ضروری و اتخاذ تمهیدات لازم از سوی دولت‌ها در جهت رفع و یا جلوگیری از نقض آن قواعد می‌باشد؛ و البته پروتکل‌هایی نیز مطرح می‌گردند که در صورت بروز یک مخاصمه‌ی مسلحانه فاقد خصیصه‌ی بین‌المللی و در درون سرزمین‌های دولت‌های عضو آن شکل می‌گیرد؛ که توجیه خصیصه‌ی بین‌المللی به وقوع پیوسته نسبت به تخلفات مع-الوصف را با در نظر گرفتن حاکمیت و مسئولیت یک دولت و صلاحیت آن در جهت ایجاد نظم و قانون مدنظر قرار می‌دهد.

در مورد مسئولیت حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه نیز، دکتربین مسئولیت شکل گرفته است که هر ساله در نشست‌های سازمان ملل متحد و به‌ویژه نطق دبیر کل سازمان ملل متحد مرتباً به آن اشاره می‌گردد، که البته ابتدا به نظر می‌رسد که این‌گونه موارد بیش‌تر به حوضه‌های توسل به زور^۱ ربط داده می‌شود، که بر مسئولیت و متعهد شدن دولت در قبال لطمه‌های جانی در قالب تعهدات جهانی دولت‌ها در جهت حمایت کردن از غیرنظامیان و افراد عادی که به صورت متوسل شدن به نیروی نظامی دچار آسیب گردیده‌اند، مطرح شده است، که البته متوسل شدن به زور و اجبار در این‌گونه شرایط می‌بایستی مطابق موارد لحاظ شده در منشور ملل متحد و طبق

۱. Jus ad bellum

حقوق بین‌الملل بشردوستانه^۱ انجام گردد و با هدف برقراری عدالت و نظم و حاکمیت قانون صورت پذیرد.

در این میان، تئوری‌های مختلفی نیز شکل گرفته‌اند؛ منجمله تئوری‌های مسئولیت حمایت از دیدگاه کلاسیک جنگ و یا مخاصمات عادلانه^۲ که شامل حقوق پس از وقوع مخاصمات مسلحانه نیز می‌گردد و امروزه در مورد مسئولیت دولت‌ها در قبال حمایت از حقوق افراد غیرنظامی در جنگ و با تکیه بر موازین حقوق بین‌الملل بشر مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است و به تبیین مسئولیت و تعهدات دولت‌ها و جامعه‌ی بین‌المللی در قبال قربانیان این گونه مخاصمات داخلی در صورت تخلف و نقض تعهدات از ناحیه‌ی آن گروه متخلف و یا دولت خاصی می‌پردازد و برآوردن رضایت و به نوعی جبران خسارت بر عهده‌ی دولت متبوع قربانیان و جامعه‌ی بین‌المللی مطابق نظر یاتی از قبیل نظریه‌ی مسئولیت حمایت و موازین بین‌المللی حقوق بشری است که می‌بایستی مطابق آن از حقوق قربانیان مخاصمات مسلحانه حمایت نمایند؛ در این راستا توجه ویژه‌ای در این مقاله به حقوق خاص ویژه‌ی خبرنگاران دولت‌های طرف مخاصمه و یا به عبارتی، خبرنگاران جنگ شده است.

درواقع خبرنگاران جنگ، همان وقایع‌نگاران و گزارشگران اخبار دسته‌اول مناطق جنگی هستند که اخبار وقایع را در آن مناطق محل نزاع و مخاصمه به صورت زنده گزارش نموده و تحلیل می‌نمایند. در قرن نوزدهم میلادی، به این دسته از خبرنگاران، «خبرنگار ویژه» اطلاق می‌گردید، که یکی از لازمه‌های اساسی این ویژگی بود که حتماً می‌بایستی آن افراد در قالب نیروهای بی‌طرف ولی همراه با نیروهای نظامی آن دولت مورد مخاصمه قرار داده شده با همان تجهیزات نظامی (بدون سلاح) در قالب گزارشگر خبری در اردوها، در میان سربازان و نظامیان و نیروهای نظامی آن دولت قرار می‌گرفتند و اقدام به پوشش خبری به طور زنده در منطقه‌ی عملیاتی و یا منطقه‌ی تحت وقوع مخاصمه می‌نمودند و اقدام به اموری از قبیل تهیه‌ی گزارش خبری و یا فیلم‌برداری و عکسبرداری از صحنه‌ی مورد منازعه و نزدیک شدن کافی به محل وقوع مخاصمه می‌نمودند که البته به‌عنوان یکی از پرخطرترین و درواقع حادثه‌خیزترین حیطه‌های خبرنگاری محسوب می‌گردد.

البته می‌بایست به این مطلب نیز اشاره نمود که اقدام به انجام پوشش خبری از حوادث جنگی و مخاصمات و منازعات هم برای دولت و هم برای فرد خبرنگار، یک اعتبار و موفقیت جهانی و فردی محسوب و تلقی می‌شود؛ چرا که افکار جامعه‌ی بین‌المللی با دیدن گزارش مستند از محل مورد مخاصمه در تصمیم‌گیری برحق بودن و یا خاطی بودن آن دولت و یا گروه در اقدام مسلحانه تأثیر بسزایی را خواهد داشت. چرا که نظامی‌گری و یا میلیتاریسم^۳ در وهله‌ی اول بر پایه‌ی این اعتقاد استوار است که توان ارتشی و نظامی منبع و سرچشمه‌ی اصلی همه‌ی امنیت‌هاست و درواقع آشتی

1. Jus in bello

2. Just war

3. Militarism

و صلح و امنیت، از راه توانمندی نظامی میسر می‌گردد و آمادگی و یا درگیری نظامی بهترین و یا تنها راه دستیابی به صلح است. در واقع دلیل اصلی خبرنگاری جنگ در دوران مداخلات همان فروش روزنامه‌ها و افزایش مخاطبان اخبار تلویزیونی و رسانه‌های جمعی می‌باشد؛ چرا که همواره رسانه‌ها در عرصه‌های مختلف و بالأخص در جنگ‌ها و مداخلات با تهیهی زیرساخت‌های اساسی اقدام به برقراری ارتباط با مخاطبان خود در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی می‌نمایند، تا جایی که خود رسانه‌ها نیز در قالب جنگ رسانه‌ای به این مداخلات دامن زده است.

درواقع امروزه و در عصر فناوری‌های نوین رسانه‌ای، یکی از مؤلفه‌های جنگ نرم و جنگ‌های مدرن محسوب می‌شوند و یکی از اهداف جنگ رسانه‌ای تغییر کارکرد و عملکرد دولت‌ها و ملت‌ها در پشتیبانی از دیگر دولت‌ها و به‌ویژه کنترل افکار و اذهان عمومی مردم است، که از طریق شگردهایی نظیر تکنیک‌های تصویرسازی یا انگاره‌سازی که یکی از شیوه‌های عملیات روانی است در نبردهای رسانه‌ای و فضا سازی و برداشت ذهنی بین‌المللی و جهانی از آن استفاده می‌شود و یا تکنیک‌های فرافکنی^۱ در حوزه‌ی سیاست و رسانه طبق یک سناریوی خبری هوشمندانه صورت می‌گیرد و یا تکنیک برجسته‌سازی که در آن رسانه‌های جمعی، توجه اصلی را به موضوعات خاص سوق می‌دهند؛ که چه بسا اعمال حقوق بی‌طرفی در فضای رسانه‌ای را تحت تأثیر قرار داده و رعایت اصل بی‌طرفی در مداخلات مسلحانه بین‌المللی و یا داخلی را با دشواری مواجه می‌نمایند و حتی باعث درگیر شدن دولت بی‌طرف در مداخله می‌گردد. در این میان، امنیت جانی خبرنگاران با رعایت ضوابط بین‌المللی در میان بحران‌ها و درگیری‌های دولت‌ها به عنوان افراد بی‌طرف و در واقع ناظرین بی‌غرض، با رعایت اصل انصاف طبق ضوابط سازمان‌های رسانه‌ای و اهتمام و مسئولیت دولت‌های درگیر در مداخله در عرصه‌ی ملی و یا بین‌المللی بسیار حائز اهمیت است، که در قالب بررسی قواعد اساسی حقوق بین‌الملل حاکم بر مسئولیت دولت‌ها برای ارتکاب اعمال متخلفانه بین‌المللی و محتوای تعهدات بین‌المللی که نقض آن‌ها موجب مسئولیت دولت می‌شود، تعریف شده‌اند.

بدین منظور، ضروری است ابتدا وضعیت حقوقی حاکم بر مداخلات مسلحانه داخلی را از دیدگاه حقوق بین‌الملل تحلیل نموده و سپس به بررسی آثار حقوقی بین‌المللی ناشی از نقض تعهدات دولت‌ها با توجه به مواد کمیسیون حقوق بین‌المللی؛ با تمرکز بر شرح و تفسیر مواد ۳۱ الی ۳۷ و دیگر پروتکل‌ها و کنوانسیون‌های مربوطه در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل در قبال زیان‌های وارده ناشی از عدم رعایت مفاد آن‌ها در قبال خبرنگاران بپردازیم؛ به نحوی که موضوع را از ابعاد حقوق بشری و نظام حقوقی مداخلات و عرف‌های بین‌المللی حاکم و متعاقباً تعهدات دولت‌ها در قبال رعایت آن و جبران خسارت در قالب طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار داده و به تحلیل آن‌ها بپردازیم.

^۱. projection

۲. وضعیت افراد عادی در مخاصمات داخلی از منظر حقوق بین‌الملل

علیرغم پیشرفت و توسعه در حوزه‌ی حمایت از حقوق غیرنظامیان در مخاصمات داخلی و بین‌المللی در قرن معاصر، متأسفانه آن‌طوری که شایسته می‌باشد، اقدامی در مورد تعهد دولت‌ها به حمایت و حفاظت از نیروهای خودی و غیرنظامی مشاهده نمی‌گردد؛ البته کنوانسیون‌های چهارگانه-ی ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن را می‌توان به عنوان اقدامات شایسته و قابل اهمیت حقوقی در مورد حفاظت و حمایت از غیرنظامیان و اسیران جنگی محسوب نمود اما متأسفانه در مورد حمایت از نیروهای خودی و افرادی که غیرنظامی هستند، قواعدی تبیین نگردیده است. و این مطلب ایجاب می‌نماید تا با توجه به منابع حقوق بین‌المللی بشر و بشردوستانه عرفی و به‌ویژه اصل حق حیات و کرامت انسانی و اصل بی‌طرفی از آن بهره‌ی کافی جست؛ درواقع هنگامی که ما از اجرا شدن حقوق بین‌الملل بشردوستانه و تعهد دولت‌ها به انجام آن سخن می‌گوییم، شرایطی را متصور می‌شویم که در آن نزاع و یا مخاصمات مسلحانه و یا اشغالگری و نظامی‌گری با توسل به زور انجام گردیده است؛ براساس کنوانسیون‌های ۴گانه‌ی ژنو ۱۹۴۹ میلادی و پروتکل‌های الحاقی سال ۱۹۷۷ میلادی، افرادی که مشمول حمایت دولت‌ها هستند را شهروندان یا نیروهای مسلح دولت دشمن متصور کرده است. اگر که ما در این وادی خبرنگاران خارجی اعزامی به محل را هم جزء شهروندان عادی یا نیروهای غیرخودی یا بی‌طرف محسوب کنیم، آن‌گاه این امر شامل حال آن‌ها نیز می‌گردد؛ چرا که کنوانسیون‌های مورد اشاره اهتمام زیادی در جهت حمایت از غیراتباع خودی در خلال مخاصمات مسلحانه و اشغال نظامی منطقه‌ای به خرج داده‌اند. درواقع خبرنگاران داخلی نیز همانند هر انسان دیگری، مشمول قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر عرفی هستند و از آن تبعیت می‌کنند.

در مقررات چهارم لاهه نیز در مواد پیش‌بینی‌نشده در این کنوانسیون، غیرنظامیان براساس شرط مارتینز^۱ و هم‌چنین متخاصمان، مشمول حمایت از اصول حقوق ملت‌ها هستند؛ اصولی که برگرفته از رویه‌ی مورد تأیید ملل متمدن و حقوق انسانی منطبق بر وجدان عمومی است (مارلوب، ۱۳۸۲). در بند دوم ماده‌ی (۱) پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ میلادی نیز تأکید شده است که غیرنظامیان و رزمندگان در مواردی که تحت شمول پروتکل حاضر یا سایر موافقتنامه‌های بین‌المللی نیستند، هم-چنان مشمول حمایت اصول حقوق بین‌المللی خواهند بود که از عرف مسلم و اصول انسان‌دوستانه و ندای وجدان عمومی ناشی می‌شود (Art.I, Sec.2 protocol I, 8 Juan 1977).

^۱. Martinez

۳. مخاصمه از دیدگاه حقوق بین‌الملل و تعاریف مربوطه

با تحلیل تبعات جنگ‌های بین‌المللی به این دریافت دست پیدا می‌نماییم که در واقع مخاصمات و به نوعی توسل به زور^۱ که از آن به عنوان یک ابزار که در دست دولت‌ها در جهت نیل به اهداف سیاسی خود بوده است یاد شده است؛ و در واقع هر دولتی که از قدرت توسل به این ابزار بیش‌تر بهره‌مند بود، آن دولت حرف اول را در جنگ می‌زد و در مناسبات بین‌المللی پیشرو بوده است. و این امر موجب به وجود آمدن حقوق مخاصمات بین‌المللی بوده است^۲ فلذا به جهت جلوگیری از وقوع آن، نیازمند وضع قواعد خاص مربوطه می‌باشد.

۳-۱. تعریف مخاصمه

مفهوم «مخاصمه» در واقع از جنگ و نزاع می‌آید. در مخاصمه، در واقع برخورد میان دو یا چند دولت است که در آن نیروهای مسلح طرفین درگیر مرتکب اقدامات خشونت‌آمیز متقابل می‌شوند. در جنگ، برخورد مسلحانه، مداوم و متقابل است (Hingorani, 1982). بنابراین جنگ نوعی برخورد میان دولت‌ها است که در آن، زور به شکل‌های گوناگون در وسیع‌ترین حد مورد استفاده واقع می‌شود (مصفا و دیگران، ۱۳۶۵). پروفیسور شارل روسو نیز، جنگ را یک «واقعه‌ی بین‌المللی» یا «نبرد مسلحانه بین دولت‌ها» نامیده است (روسو، ۱۳۶۹).

۳-۲. تعریف توسل به زور

توسل به زور را می‌توان به هرگونه عمل قهرآمیزی که نتوان آن را اقدامی نظامی تلقی نمود، ابراز کرد و کلیه‌ی تدابیر و عملیات نظامی، از جمله جنگ را نیز شامل می‌شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰).

۳-۳. تعریف حقوق مخاصمه

مخاصمه که یکی از نشانه‌های اصلی «توسل به زور» در مناسبات بین‌المللی است (Hingorani, 1982) در واقع نزاع و مخاصمه در مفهوم جنگ از نظر حقوق بین‌الملل به‌عنوان ابزاری در جهت نیل به اهداف سیاسی است و به مجموعه‌ی عملیات قهرآمیزی که به‌صورت مسلحانه در جهت تأمین آن منافع سیاسی ملی و در چارچوب مناسبات بین کشورها انجام می‌شود،

1. use of force

2. Jus in bell

اطلاق می‌گردد که البته موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آن‌ها با همدیگر و حتی با کشورهای ثالث می‌گردد. در این جهت، حداقل یکی از طرفین مخاصمه درصدد تحمیل نقطه-نظری سیاسی خویش به دیگری است. به این ترتیب، عملیات قهرآمیز مسلحانه، وسیله و هدف تحمیل اراده‌ی مهاجم است (ضیایی بیگدلی، پیشین).

۳-۴. تاریخچه مخاصمات مسلحانه

در طول تاریخ، ما شاهد جنگ‌ها و نزاع‌های زیادی بوده‌ایم و همین امر باعث شده که پژوهشگران و دانشمندان از جنگ‌ها در طول تاریخ، به عنوان یک موضوع و واقعه‌ی طبیعی و رویدادی عادی در عرصه‌ی بین‌المللی یاد نمایند؛ در طول تاریخ تمدن حدوداً ۳۵۰۰ ساله‌ی بشری که به صورت نوشته مکتوب مانده است، تنها ۲۵۰ سال جهان رنگ صلح را به خود دیده است و قسمت بیش‌تر حیات خود را با جنگ و نزاع سپری کرده است (میرعباسی، ۱۳۸۵).

مؤسسه‌ی علمی و جامعه‌شناسی جنگ اظهار نموده است که، جهان، از جنگ جهانی دوم تاکنون، فقط معادل ۲۶ روز را در صلح به سر برده است و براساس این‌گونه محاسبات، جهان در هر سال، فقط ۳ روز را در صلح گذرانده است و به قول معروف، نمی‌توان روزی را یافت که در جهان جنگ نبوده باشد (میرعباسی، پیشین). در یک ارزیابی کلی از حیات جوامع بشری اعم از جوامع بین-المللی و جوامع داخلی حاکی از آن است که انسان‌ها، هرگز در وضعیت آرامش و صلح مطلق^۱ زندگی نکرده‌اند (هنجی، ۱۳۸۳).

در بررسی مخاصمات از نظر سازمان ملل و جامعه‌ی بین‌المللی می‌توان اشاره کرد که تدابیر پیش‌بینی شده درباره‌ی عدم توسل به جنگ در میثاق جامعه‌ی ملل، پیمان بریان - کلوگ و غیره، نشان داد که این تدبیرها برای جلوگیری از جنگ کافی نبوده است؛ چراکه جهان یک بار دیگر شاهد وقوع جنگ دهشتناک شد. وقوع جنگ جهانی دوم و حوادث فاجعه‌آمیز و دهشتناک آن، موجب شد تا موضوع ممنوعیت جنگ مجدداً آذهان جامعه‌ی بین‌المللی را به خود جلب نماید. بر این اساس، با توجه به تلاش‌های صورت گرفته توسط برخی دولت‌ها، جامعه‌ی ملل منحل و سازمان ملل متحد به عنوان ابزار نظم و قانون ایجاد و بارقه‌ی امید را در دل‌ها نمایان ساخت (کاسسه، ۱۳۷۰).

از محورهای اصلی تدوین منشور ملل متحد، موضوعیت ممنوعیت جنگ و نزاع بود تا بتوانند با ایجاد تضمین‌های مستحکم‌تر مانع از وقوع آن گردند. همان‌طوری که در بند ۴ ماده‌ی ۲ منشور به آن توجه ویژه‌ای شده است:

^۱. Absolute peace

«کلیه‌ی اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری، یا از هر روش دیگر که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد، خودداری خواهند نمود».

منشور ملل متحد به‌جای عنوان «جنگ»، از واژه‌ی وسیع و جامع «توسل به زور» استفاده نمود. زیرا که قبلاً «جنگ»، تحریم و ممنوع شده بود، لذا بعضی از دولت‌ها اقدام تجاوزکارانه‌ی خود را با پوششی غیر از جنگ، به انجام می‌رسانند. از این‌رو، منشور، عنوان «توسل به زور» را انتخاب کرد تا هر نوع برخورد مسلحانه و تجاوز از نوع جنگ را دربرگیرد و اقدامات خصمانه کم‌تر از جنگ، از دایره‌ی ممنوعیت خارج نگردد (مدنی، ۱۳۷۷).

و همین مسئله‌ی بسیار مهم توجّه به ایراد خسارت به افراد غیرنظامی و درواقع در بررسی پژوهش حاضر، خبرنگاران جنگی را توجیه‌پذیرتر می‌نماید؛ چراکه هر گونه توسل به زور از طرف دولت که منجر به وقوع نزاع و درگیری گردد، پیامدهای ناشی از ایجاد ضرر آن را در قالب ماده‌ی منشور ملل مورد تقبیح و منع قرار خواهد داد. هم‌چنین به‌نوعی می‌توان مورد هدف قرار دادن خبرنگاران در مخاصمات داخلی کشورها را به‌نوعی ترور هدفمند تلقی نمود که این مورد نیز در حقوق بین‌الملل بشردوستانه یا همان حقوق مخاصمات مسلحانه، بسیار مورد توجه قرار گرفته است که با توجّه به شرایط جنگ و منازعات مسلحانه می‌توان آن را تحلیل نمود.

در فرهنگنامه‌ی فارسی از «ترور» به «کشتن هدفمند» یاد می‌شود که البته ترور هدفمند گرچه از نظر دولت‌ها خوشایند نیست اما برخی از ترورها در زمان جنگ و مخاصمه‌ی مسلحانه رخ داده است و برخی در زمان صلح که از این دست ترورها می‌توان به کشته شدن جمال خاشقچی^۱ روزنامه‌نگار اهل کشور عربستان سعودی یاد کرد که از منتقدان نحوه‌ی حکمرانی در عربستان بود. جمال در سال ۲۰۱۷ از عربستان سعودی گریخت و خود را از آن کشور خارج نمود و در ۲ اکتبر ۲۰۱۸ به کنسولگری عربستان در استانبول مراجعه کرد و ناپدید شد. شواهد و قراین نشان می‌دهد که وی در کنسولگری عربستان در ترکیه، به قتل رسیده و جسدش تکه‌تکه شده است و از آن‌جا خارج شده است که در روز ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۹ ولیعهد عربستان سعودی در مصاحبه‌ای با رادیو سراسری آمریکا با قبول کردن مسئولیت قتل خاشقچی، تمامی مسئولیت این ترور را پذیرفت. و همین‌طور می‌توان از ترور دو خبرنگار دویچه وله^۲ آلمان، کارن فیشر و کریستیان استروو در افغانستان نام برد که البته مورد اعتراض کشور افغانستان قرار گرفت. بنابراین ترور یک فرد عادی در قالب خبرنگار هم می‌تواند ترور تلقی گردد به شرط آن که با استفاده از شیوه‌های مرموز و مخفیانه صورت گیرد (Parks, W., 1989).

1. Jamal Khashoggi

2. Deutsche Welle

تعبیر ترور هدفمند از دو واژه‌ی «ترور» و «هدفمند» تشکیل شده است. «هدف» در کاربرد نظامی آن به شخص یا محل یا شیء مورد حمله گفته می‌شود لذا عمل هدف قرار دادن یعنی هدایت عملیات به سمتی که باید حمله به هدف صورت گیرد (Schmitt M., 1992).

در تعریف حقوقی ترور هدفمند می‌توان به «کاربرد نیروی نظامی وابسته به یک تابع حقوق بین‌الملل با قصد و برنامه‌ریزی قبلی و یا عمد در کشتن فردی که به تنهایی انتخاب گردیده و در توقیف بدنی کسانی نیست که قصد کشتن او را دارند» یاد نمود. (Melzer, N., 2009). در واقع در ترور هدفمند، کاربرد نیروی نظامی وجود دارد و این شامل اقدامات خصمانه‌ی داخلی دولت‌ها در منازعات و اقدامات قهری، صرف‌نظر از نوع ابزار مورد استفاده در آن نیز می‌گردد به نحوی که موجب مرگ یک انسان شود و در مثال ما، خبرنگاران در این مقوله به صورت یک غیرنظامی یا به شکل تصادفی و یا از روی سهل‌انگاری یا در اثر نتیجه‌ی اجتناب‌ناپذیر که در آن کاربرد زور و توسل به زور هم نباشد، محقق است که از سوی دولت درگیر در مخاصمات داخلی به نوعی با هدف کشتن خبرنگاران موجب مسئولیت آن‌ها می‌گردد. و این مسئله که خبرنگاران می‌توانند به طور مشخصی از اهداف همگانی و نامعین جدا شوند و مورد هدف قرار گیرند، می‌تواند تابعان حقوق بین‌المللی را که عمدتاً دولت‌ها می‌باشند، به طور واقعی و ملموس متهم به ترور نماید. این مطلب در صورتی که نقض تعهد دولت به واسطه‌ی رابطه‌ی فرد خبرنگار با نیروهای نظامی از مقوله‌ی جنگ باشد نیز قابل بررسی است.

۴. آثار حقوقی بین‌المللی عدم رعایت تعهد نسبت به حقوق مربوط به خبرنگاران در حین مخاصمات دولت‌ها

در مورد رعایت قواعد حقوق بین‌المللی در مورد خبرنگاران در جنگ و اصولاً افراد غیرنظامی در حین مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی و یا بین‌المللی، به مورد مهمی اشاره نمودیم و آن این موضوع و اصل رعایت حقوق بی‌طرفی در مخاصمات مسلحانه می‌باشد که بی‌طرفی به وضع حقوق دولتی اشاره دارد که طرف یک مخاصمه‌ی مسلحانه‌ی بین‌المللی نیست (Heinegg, 2012). در واقع، حقوق بی‌طرفی با دادن امکان حفظ روابط با تمام متخاصمان، به دولت‌هایی که در مخاصمه شرکت ندارند، همزیستی جنگ و صلح را به نظم می‌کشد (Kelsey, 2008) که این قواعد براساس کنوانسیون‌های پنجم و سیزدهم لاهه در سال ۱۹۰۷ میلادی تدوین شده‌اند. بنابراین در صورت اعلام بی‌طرفی دولت و ورود ضرر و زیان به شخص خبرنگاران نیز می‌توان از قواعد کنوانسیون این گونه تعبیر کرد که چنان‌چه شورای امنیت براساس فصل هفتم منشور تصمیم به انجام اقدامات اجرایی علیه یک دولت متجاوز یا ناقض صلح بگیرد، تعهدات دولت‌های عضو سازمان ملل متحد آن‌ها را از بی‌طرفی در قبال مخاصمه‌ی میان دولت متجاوز و دولت قربانی تجاوز بازمی‌دارد. این

تعبیر برای خبرنگاران بین دول داخلی و یا خارجی در حین انجام گزارش هم صادق است و می‌توان با در نظر گرفتن به مواد کنوانسیون به آن استناد جست و در حالت ورود ضرر و زیان از آن بهره‌مند شد، به عنوان مثال، در مواد ۲۵ و ۱۰۳ منشور ملل متحد دولت‌هایی را که طرف مخاصمه‌ی مسلحانه نیستند، ملزم کرده است به عدم دخالت به نفع یا بر علیه یک طرف مخاصمه براساس همان حقوق بی‌طرفی که البته تعهدات ناشی از این گونه قطعنامه‌ها، می‌تواند الزام‌آور باشد برای برخی از دولت‌ها در جهت همکاری و اقداماتی از قبیل اجازه دادن عبور نیروها و تجهیزات و تسلیحات نظامی و یا حتی گزارشگرانی که در قالب افراد اعزامی با آن نیروها از سرزمین‌شان عبور می‌نمایند. درواقع هدف دوگانه‌ی حقوق بی‌طرفی از یک‌سو، حمایت از حاکمیت سرزمینی دولت‌های بی‌طرف و جمعیت آن‌ها در برابر آثار زیانبار مخاصمات است؛ و از سوی دیگر، حمایت از منافع متخاصمان در مقابل هر گونه مداخله‌ی دولت‌های بی‌طرف و اتباع آن‌ها به نفع یک طرف مخاصمه و به ضرر دیگری، و بدین‌سان جلوگیری از گسترش مخاصمه است (Heinegg, 2013)؛ بدین- ترتیب اقدام خبرنگاران به عنوان تابعین دولت‌های طرف مخاصمه می‌بایست براساس و حول محور اصل بی‌طرفی باشد تا تبدیل به اشاعه‌ی مخاصمه و نزاع نگردد و در چارچوب و اساس قواعد حاکم بین‌المللی صورت پذیرد. چرا که تعهدات دولت‌های متخاصم براساس اصول و قواعد حقوق بی‌طرفی که در کنوانسیون پنجم و سیزدهم لاهه ۱۹۰۷ میلادی درج شده‌اند، این‌گونه بیان داشته که متخاصمان ملزم به احترام به تعرض‌ناپذیری سرزمین دولت‌های بی‌طرف و ممنوع از هدایت مخاصمات، اعمال حقوق متخاصم و ایجاد پایگاه‌های عملیاتی در سرزمین دولت‌های بی‌طرف هستند) (Hague Convention V, 1907: arts 1,2,3; Hague Convention. XIII, 1907: arts. 1,2,5).

و این مسئله خود نشانگر این موضوع است که در صورت بی‌طرف بودن دولت در مخاصمات قواعد اجرایی در مورد افراد و خبرنگاران نیز می‌تواند از این شیوه تبعیت نماید و این خود یک حالت دیگری در زمان بی‌طرفی آن دولت و تعهدات ناشی از وقوع زیان به خبرنگاران فرض می‌شود.

و همچنین براساس ماده‌ی ۲ کنوانسیون پنجم لاهه ۱۹۰۷ میلادی، متخاصمان نمی‌توانند سپاهیان، سلاح‌ها یا سایر ادوات جنگی خود را از سرزمین یک دولت بی‌طرف عبور دهند و یا به آن منتقل کنند. بنابراین چنانچه عبور خبرنگاران همراه دولت متخاصم از سرزمین یک دولت بی‌طرف صورت پذیرد، در صورت ورود خسارت به افراد ناقض حقوق بی‌طرفی خواهد بود، چرا که این امر در قالب عبور تجهیزات یک طرف متخاصم از قلمرو تحت صلاحیت و حاکمیت دولت بی‌طرف محسوب می‌شود (Brown, 2006). بنابراین این مطلب خود می‌تواند به‌عنوان عدم امکان عبور خبرنگاران تلقی گردد. همچنین ماده‌ی ۳ کنوانسیون پنجم لاهه متخاصمان را از اعمال زیر منع می‌کند:

الف) ایجاد یک ایستگاه تلگراف بی‌سیم یا تأسیسات دیگر به منظور برقراری ارتباطات با نیروهای متخاصم در زمین یا دریا.

ب) استفاده از هر گونه تأسیسات از این نوع که توسط آن‌ها پیش از جنگ در سرزمین یک دولت بی‌طرف صرفاً برای اهداف نظامی ایجاد شده و برای مبادله‌ی پیام‌های عمومی دایر نگریده است.

درواقع در طول مدت زمان مخاصمه، دولت متخاصم نمی‌تواند از این موارد بر علیه طرف دیگر مخاصمه بهره بجوید. بنابراین مسئله‌ی ممنوعیت استفاده از این‌گونه زیرساخت‌ها فقط در صورتی - است که پیش از مخاصمه، در سرزمین دولت بی‌طرف ایجاد شده باشند.

بایستی اشاره کرد که ماده‌ی ۸ کنوانسیون پنجم لاهه، استفاده از سیستم‌های ارتباطی عمومی را برای طرفین مخاصمه حتی به منظور اعمال حقوق خود به عنوان متخاصم علیه طرف دیگر مخاصمه، منع نکرده است. در ماده‌ی ۸ مقرر گشته است:

«از یک قدرت بی‌طرف خواسته نمی‌شود که استفاده از کابل‌های تلگراف و یا تلفن یا دستگاه‌های تلگراف بی‌سیم متعلق به خود یا شرکت‌ها یا افراد خصوصی را برای متخاصمان ممنوع یا محدود کند» (Hague Convention V, 1907).

هرگونه ممنوعیت یا محدودیت یا تجویز استفاده از این سیستم‌های ارتباطی باید به نحو غیرجانبدارانه نسبت به هر دو طرف مخاصمه اجرا شود (Hague Convention V, 1907). اگرچه می‌بایست با عنایت به مواد مطرح شده، دولت‌های طرفین مخاصمه دقت بیش‌تری را در اعزام خبرنگاران بنمایند اما با وجود این می‌بایستی به این نکته توجه کرد که در ماده‌ی ۸ مذکور تنها نسبت به سیستم‌های ارتباطی و صرف ارتباطات، اعمال می‌شود.

۴-۱. تعهدات دولت‌های بی‌طرف در قبال تجهیزات و خبرنگاران اعزامی به

مناطق مورد مخاصمه

حقوق بی‌طرفی دولت‌های بی‌طرف را از جانب‌داری و پشتیبانی و کمک به یک طرف متخاصم به زیان متخاصم دیگر منع می‌کند (Doswald_Beck, 2002). درواقع علی‌رغم الزام به عدم جانب‌داری دولت‌های بی‌طرف در حین مخاصمت، این‌گونه دولت‌ها می‌بایستی به تعهدات خودشان در قبال افرادی که به عنوان خبرنگاران اعزامی در منطقه حضور دارند به گونه‌ای عمل نمایند که اعمال حقوق متخاصم در کشورشان صورت نگیرد و می‌بایستی نسبت به عدم نقض این بی‌طرفی تا پایان مخاصمه فی‌مابین دولت‌های طرف متخاصم کوشش نمایند؛ و اگر این مسائل را رعایت نمایند و درواقع به تعهدات خود جامه‌ی عمل نپوشاند، به عنوان یک دولت بی‌طرف برای آنان دارای آثار حقوقی است که در قالب پذیرفتن اجرای حقوق بی‌طرفی به صورت قهری از سوی دولت متضرر

طرف متخاصم اعمال خواهد شد. و چنانچه دولت بی طرف قادر و یا مایل به ایفای تعهد خود برای پایان دادن به نقض بی طرفی اش از سوی یکی از متخاصمان نباشد، حقوق بی طرفی متخاصم مقابل را بدون راه چاره رها نکرده است. در این وضعیت، حقوق بی طرفی به متخاصم مورد حمله یا زیان - دیده اجازه می دهد آن اقداماتی را که برای پایان دادن به نقض حقوق بی طرفی ضروری است، اتخاذ کند (San Remo Manual, 1994: para.22; HPCR Manual, 2009: rule 168(b); US Commander's, Hand book, 1997: para. 7.3). بنابراین دولت های طرفین متخاصمه و دولت بی طرف می بایستی موارد فوق الذکر را نسبت به خبرنگاران اعزامی خود و دیگر خبرنگاران در عرصه ی متخاصمه سایر دولت های طرفین نزاع و یا حتی خبرنگاران خارج از این حیطه نیز اعمال نمایند؛ چراکه توجه به هدف عالی جلوگیری از تشدید و گسترش متخاصمه های مسلحانه ی بین - المللی جزء لاینفک از مقررات بی طرفی جهت جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده ی احتمالی از امکانات و تجهیزات در قالب افراد گزارشگر در خلال این نزاع ها مدنظر می باشد و عدم توجه به آن منجر به گسترش متخاصمه می شود.

۴-۲. تعهدات دولت ها ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در قبال خبرنگاران اعزامی به مناطق مورد متخاصمه مسلحانه

پس از اتمام جنگ جهانی دوم، دولت ها درباره ی مختصات داخلی و نقض حقوق بشردوستانه بیش تر ملزم به رعایت حقوق بین المللی و قاعده ی ایجاد مسئولیت در صورت کمک به اشاعه ی نزاع شده اند؛ بدین مفهوم که اگرچه دولت ها می توانند آزادانه نسبت به روابط بین المللی و کمک به دیگر دولت ها در زمینه های مختلف نظامی، فرهنگی، اقتصادی طبق چارچوب و موازین خاص حقوق بین المللی اقدام نمایند اما نمی بایست این اقدامات صورت گرفته ناقض تعهدات بین المللی آن ها مثلاً در مورد حقوق بشردوستانه باشد؛ چراکه مطابق قاعده ی کمک در نقض حقوق بین المللی برای آن ها مسئولیت به همراه آورده و در صورتی که آن کمک از جنبه ی اعزام خبرنگاران بحث و بررسی گردد نیز نمی بایستی این اقدام به تسهیل اعمال متخلفانه دولت دریافت کننده ی آن کمک صورت پذیرد.

چراکه این گونه مسئولیت حتی برای دولت های بی طرف به دلیل نقض حقوق بین الملل بشردوستانه در قلمرو تحت صلاحیت دولت درگیر در متخاصمه ی مسلحانه داخلی رخ می دهد؛ و در ماده ی ۲۷ طرح پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل در سال ۱۹۷۸ نیز به این مطلب اشاره گشته است که:

«اگر ثابت شود کمک یا مساعدت یک دولت به دولت دیگر برای ارتکاب عمل متخلفانه بین المللی بوده است که دولت اخیر انجام داده این کمک و مساعدت به خودی خود، از نظر بین - المللی نادرست است ولو اینکه فی نفسه ناقض یک تعهد بین المللی نباشد».

بنابراین دولت درگیر در مخاصمه‌ی مسلحانه داخلی می‌بایست به این نکته توجه نماید که اعزام خبرنگاران خارجی به محل نزاع از طرف دولت‌های بی‌طرف و یا حتی دولت درگیر در مخاصمه به شیوه‌ای نباشد که صرف کمک یا مساعدت تلقی گردد و به آتش مخاصمه دامن بزند؛ چرا که این امر از لحاظ بین‌المللی، امری خلاف مقررات وضع شده است. مطابق ماده‌ی ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ نیز اشاره گردیده است که:

«دولتی که در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر به او مساعدت یا کمک می‌کند در صورت وجود شرایط زیر مسئولیت بین‌المللی دارد:
(الف) آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی به این کار اقدام کند؛
(ب) فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت، فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد».

درواقع در ماده‌ی ۱۶ به حالتی اشاره می‌گردد که دولتی به منظور تسهیل ارتکاب فعل متخلفانه-ی بین‌المللی توسط دولت دیگر به او کمک یا مساعدت می‌کند. برای مثال، آگاهانه تجهیزاتی رسانه‌ای خبرنگاری لازم را در اختیار او قرار داده یا فعالیت مزبور را از طریق تأمین منابع مالی صورت‌پذیر نماید. در چنین شرایطی هرگونه اتفاقی که برای خبرنگاران اعزامی رخ بدهد، به موجب ماده‌ی ۱۷ طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ باعث مسئولیت و تعهد الزام‌آور دولت می‌گردد؛ در ماده ذکر شده است:

«دولتی که ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر را «هدایت»^۱ و «کنترل»^۲ می‌کند، در صورت وجود شرایط زیر مسئول آن فعل خواهد بود:
(الف) آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی به این کار اقدام کند؛
(ب) فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت، فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد».

بنابراین علاوه بر کمک و مساعدت، چنانچه دولتی، دولت دیگر را در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی هدایت و کنترل کند، مسئول آن فعل خواهد بود؛ خواه آن فعل اعزام خبرنگار باشد و یا ایراد ضرر به خبرنگاران اعزامی طرفین مخاصمه و یا دولت درگیر در مخاصمه داخلی باشد.

هم‌چنین حتی اگر خبرنگاران در قالب همراهی‌کنندگان نیروهای نظامی دولت درگیر در مخاصمه اعزام شده باشند، مطابق ماده‌ی ذکر شده، رفتار شخصی یا گروهی از اشخاص، در صورتی که به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کنند، به موجب حقوق بین‌الملل فعل دولت تلقی می‌شود و دولت مذکور در قبال آن‌ها مسئولیت دارد. درواقع، دولت‌ها زمانی که به جای عمل از طریق مأموران و مقامات رسمی خود، برای انجام اعمال نامشروع در کشور دیگر از اشخاص و گروه‌های خصوصی بهره می‌برند، نباید بتوانند از مسئولیت بین‌المللی خود از این بابت بگریزند. اگر

^۱. Direct
^۲. Control

کشورها این گونه رفتار کنند، باید پاسخگوی اعمال و اقدامات اشخاص مذکور باشند که تحت فرمان آن‌ها این اقدامات را انجام داده‌اند حتی اگر این افراد و گروه‌ها از حدود اختیارات خود تجاوز کرده یا دستورهای آن کشور را نقض کرده باشند.^۱

۳-۴. حقوق خبرنگاران در مخاصمات مسلحانه

همچنین در کنوانسیون‌های ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و پروتکل یک الحاقی آن‌ها، این گونه بیان شده است که خبرنگاران و اصحاب رسانه به موجب این کنوانسیون حق دارند در زمان جنگ و مأموریت‌های حرفه‌ای خطرناک از رفتاری همانند یک غیرنظامی برخوردار باشند و در حین اینکه به انجام وظیفه‌ی خود در قالب آگاهی رساندن و شفاف‌سازی مربوط به جنگ و محل مخاصمات مسلحانه می‌پردازند، می‌بایستی از امنیت شغلی و تأمین جانی نیز برخوردار باشند. بنابراین مطابق بند ۱ ماده‌ی ۵۰ حقوق بین‌المللی بشردوستانه که ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه می‌باشد، خبرنگاران اعزامی به مناطق درگیر در مخاصمات مسلحانه که در حال مأموریت حرفه‌ای می‌باشند، می‌بایست از حمایت برخوردار بشوند؛ مشروط بر اینکه به اقدامی که مغایر با وضعیت آن‌ها به عنوان غیرنظامی باشد، مبادرت نمایند و نیز بدون آن که به حق گزارشگران جنگی وابسته به نیروهای مسلح برای برخورداری از وضعیت پیش‌بینی نشده در بند الف ماده‌ی ۴ کنوانسیون سوم اعطا شده است، خدشه‌ای وارد بشود، دارندگان کارت‌های شناسایی صادره توسط دولت‌های تابع خبرنگاران از حمایت‌های حقوقی بین‌المللی بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه برخوردار هستند به شرطی که نام کشور صادرکننده بر روی کارت‌های شناسایی خبرنگاران درج شده باشد و می‌بایست همیشه آن کارت را با خود در محل‌های خطرناک اعزامی که دچار مخاصمات مسلحانه می‌باشند حمل نمایند و اطلاعات لازم را از منطقه‌ی مورد مخاصمه و قوانین بین‌المللی در مورد شرایط سیاسی و قوانین محل اعزام و مأموریت و همچنین دیگر اطلاعات راجع به قوانین کمیته‌های بین‌المللی و ارگان‌های سازمان ملل متحد و گروه‌های سیاسی منطقه‌ی مخاصمه کسب نمایند.

۴-۴. مراجع حامی خبرنگاران در مخاصمات مسلحانه

کمیته‌ی محافظت از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران^۲، یک سازمان مستقل و غیرانتفاعی است که در سال ۱۹۸۱ در شهر نیویورک واقع در ایالات متحده‌ی آمریکا تأسیس شده است. این کمیته با اعتقاد به اصل «لزوم مطبوعات آزاد برای رشد جوامع مدنی» از حقوق روزنامه‌نگاران سراسر جهان در

¹. Cassese, op. cit, p.654

². CPJ

راستای تهیه‌ی گزارش‌های مبتنی بر واقعیت، بدون هراس از تبعات انتشار آن، دفاع می‌کند و با هیأت‌مدیره‌ای متشکل از ۳۵ روزنامه‌نگار مطرح جهان، در بیش از ۱۲۰ کشور که اغلب از حکومت‌های فاسد، جنگ‌های داخلی، مطبوعات آسیب‌پذیر رنج می‌برند، حضور و فعالیت دارد. عملکرد اجرایی این کمیته برای حمایت از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران را می‌توان در انتشار گزارش‌های علنی پیرامون سوءرفتارهای اعمال شده علیه روزنامه‌نگاران و گزارشگران، هشدار و اطلاع‌رسانی به دیگر روزنامه‌نگاران و خبرنگاران و آژانس‌های خبری درباره‌ی مناطق پرخطر، بهره‌گیری از راهکارهای دیپلماتیک و مذاکره برای اصلاح وضعیت مطبوعات در کشورهای ناقض آزادی بیان و سرانجام برپایی تظاهرات اعتراض‌آمیز مردمی به نفع رسانه‌های مستقل و آزاد خلاصه کرد. فدراسیون بین‌المللی^۱ خبرنگاران نیز از دیگر مراجع حامی حقوق خبرنگاران در عرصه‌ی بین‌المللی است. این سازمان، بزرگ‌ترین تشکل خبرنگاران در سطح جهان محسوب می‌شود که در سال ۱۹۶۲ پایه‌گذاری شده است و در سطح جهانی به‌ویژه در سازمان ملل متحد و در چارچوب جنبش‌ها و اتحادیه‌های کارگری به عنوان سخنگوی بین‌المللی خبرنگاران به رسمیت شناخته می‌شود.

این فدراسیون با کمک به گسترش اتحادیه‌های آزاد و مستقل، موضوعات و عمل هماهنگ بین‌المللی از آزادی مطبوعات و عدالت اجتماعی، حقوق بشر و دموکراسی دفاع می‌کند؛ این فدراسیون با هرگونه تبعیض و استفاده از رسانه‌ها برای تبلیغ و درگیری اجتماعی مخالف است. از دیگر مراجع حامی خبرنگاران را می‌توان به شبکه‌ی بین‌المللی خبرنگاران^۲ اشاره کرد. این شبکه در واقع وسیله‌ی اطلاع‌رسانی و راهنمایی به خبرنگاران از طریق اینترنت است و در مرکز ایالات متحده‌ی آمریکا در شهر واشنگتن مستقر است، که با مراجعه به این سایت می‌توان در مورد چگونگی رسانه‌ها در نقاط مختلف جهان اطلاعاتی را بدست آورد. از دیگر سازمان‌های حامی خبرنگاران می‌توان به پایگاه ارتباط آزادی بیان^۳ اشاره نمود که در شهر مونترال کانادا واقع شده است و اداره‌ی آن بر عهده‌ی کمیته‌ی کانادایی محافظت از خبرنگاران است. یکی از بخش‌های اصلی آیفکس شبکه «هشدار و عمل» است که اطلاعات مربوط به تعرض به آزادی بیان را به اعضا گزارش می‌دهد. در واقع این شبکه ابزاری است که در صورت بروز مشکلاتی برای خبرنگاران در سراسر جهان امکان واکنشی سریع، جهانی و هماهنگ را فراهم می‌کند.

1. IFJ

2. IJnet

3. IFEX

۴-۵. سازمان‌های آموزشی خبرنگاران اعزامی به مناطق دچار مخاصمات مسلحانه و در جنگ

دو شرکت در زمینه‌ی آموزش خبرنگاران مشغول به انجام فعالیت هستند با نام‌های آ کی ای^۱ و سنتوریون^۲ که در زمینه‌ی ایمنی کار و ارائه‌ی دوره‌هایی به‌ویژه برای خبرنگاران اعزامی در محیط‌های خصمانه کار می‌کنند و همچنین در زمینه‌ی ارتقای آگاهی نسبت به خطرات پیش روی خبرنگاران در محیط‌های خطرناک و مناطق دچار جنگ و درگیری مسلحانه؛ و اکثر گزارشگران بین‌المللی در این دوره‌ها شرکت می‌نمایند تا مباحثی مانند محیط‌شناسی و بررسی جغرافیایی محل واقعه در قالب نقشه‌خوانی و ارزیابی خطرات انسانی از جمله آشنایی با تله‌های انسانی، انواع جنگ‌های میکروبی و دیگر خطرات ناشی از درگیری‌های مسلحانه و آمادگی‌های فیزیکی، روحی و روانی و تخصصی جهت مواجه شدن با شرایط سخت و غافلگیرانه محیط‌های پیرامون مناطق جنگی را آموزش ببینند.

۵. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خبرنگاران با عنایت به طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌المللی

با بررسی مواد کمیسیون، شرایطی را که به صورت کلی ایجاد مسئولیت می‌نمایند، در عرصه‌ی بین‌المللی برای دولت‌ها درحالی‌که آثار و تبعات حقوقی احراز مسئولیت برای دولت مسئول ناشی از رفتار متخلفانه بین‌المللی صورت می‌پذیرد را منطبق با چند ماده‌ی انتخابی در ارتباط با نقض حقوق خبرنگاران بیان می‌نماییم.

درواقع مسئولیت دولت‌ها در عرصه‌ی بین‌المللی ناشی از نقض تعهد و یا ارتکاب فعل متخلفانه است که تعهدات آن‌ها را در قبال متضرر و جبران آثار زیان‌بخش را طلب می‌کند؛ درواقع از جهت ایجاد ضرر در مخاصمات مسلحانه داخلی دولت به افراد غیرنظامی که قبلاً مفصلاً بحث گردید، حال می‌خواهیم ببینیم آثار نقض تعهد در قالب مواد کمیسیون به چه شکل شامل حال خبرنگاران می‌شود؛ درواقع با عنایت به بند ۲ ماده‌ی ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری همه‌ی دولت‌های عضو را در مورد اختلافات حقوقی راجع به هر امری که ناقض تعهد بین‌المللی تلقی گردد و یا در مورد غرامتی که باید برای آن پرداخت شود و همچنین جبران خسارت و آثار حقوقی بار شده‌ی آن بر دوش دولت مسئول را مطرح می‌نماید. و به نوعی جلب رضایت زیان دیده و اعاده‌ی وضع به حالت سابق را مطالبه می‌کند.

1. AKE

2. Centurion

۵-۱. «جبران ضرر» ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی

در ماده‌ی ۳۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان شده است که دولت مسئول، متعهد است که زیان ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی را به طور کامل جبران کند و هرگونه خسارت مادی و معنوی وارد شده را بر عهده بگیرد. در تفسیر این ماده و انطباق آن با شرایط مخاصمه‌ی مسلحانه داخلی و ورود ضرر به خبرنگاران کاملاً مشهود است که چه به لحاظ جانی و یا مالی و یا عاطفی که قبلاً بحث شده، هرگونه تعرضی ناشی از فعل زیانبار از ناحیه‌ی دولت بر عهده و مسئولیت آن دولت می‌باشد.

به‌عنوان نمونه، در جنگ‌های بوسنی و قتل‌عام رواندا، در درجه‌ی نخست عامل غیرمنتظره تلفات افزایش مرگ خبرنگاران بود. چراکه اکثر این افراد، روزنامه‌نگاران داخلی بودند که به‌خاطر تهیه‌ی گزارش درباره‌ی جرایم سازمان‌یافته، مواد مخدر و معاملات تسلیحاتی و درگیری‌های داخلی مورد هدف قرار گرفتند. بدین جهت ضوابط بین‌المللی کار برای هدایت صحیح خبرنگاران در کنفرانس جهانی خبری سال ۲۰۰۰ در بارسلونا به‌طور رسمی ارائه شد، که براساس آن سازمان‌های رسانه‌ای را ملزم می‌کند که در زمینه‌ی آگاهی به هنگام خطر، حمایت اجتماعی (برای مثال بیمه‌ی عمر)؛ درمان پزشکی رایگان، و حمایت از کارکنان آزاد یا پاره‌وقت، آموزش‌هایی را فراهم آورند؛ و مسئولین دولتی برای تمامیت حقوق جسمانی خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ها احترام قائل شوند (IFJ, 2000)؛ این-گونه تفسیر شده است از ماده‌ی ۳۱ که در بند ۲ به موضوع رابطه‌ی سببیت رفتار و یا فعل زیانبار سر زده از سوی یک دولت که تخلف فرض می‌شود و خسارت وارده ناشی از زیان فعل متخلفانه بین‌المللی است، و می‌بایست خسارت کامل پرداخت گردد به فرد زیان‌دیده از ناحیه‌ی دولت متخلف. و این یک فرآیند حقوقی متصور شده است. بنابراین درست است که در اینجا برای مطالعه‌ی خسارت و درواقع جبران آن از ناحیه‌ی دولت متخلف رابطه‌ی سببیت شرطی لازم به نظر می‌رسد اما درواقع این شرط کافی نیست و زیان می‌بایست حتماً در نتیجه‌ی فعل متخلفانه دولت حاصل گردد.

۵-۲. «عدم امکان استناد به حقوق داخلی» و برآورد جبران خسارت وارده

ناشی از مسئولیت دولت

همان‌گونه که بررسی شد، ما بیش‌تر به جنبه‌ی بین‌المللی ورود خسارت به خبرنگاران توجه داشتیم درحالی‌که در مورد جنبه‌ی داخلی ورود خسارت به آن‌ها کمتر سخنی گفته شد چرا که درواقع هرگونه زیان وارد شده به افراد غیرنظامی که در داخل کشور درگیر مخاصمات داخلی رخ دهد مسئولیت ناشی از آن متوجه آن دولت است، حتی اگر آن دولت به مصادیق و قوانین صرف داخلی خود جهت تبرع رجوع نماید بازهم از باب قوانین حقوق بین‌المللی، مسئول شناخته می‌شود و می‌بایستی نقض تعهد را جبران نماید. بند ۳ این مواد به نقش حقوق داخلی در توصیف یک فعل به-عنوان فعل متخلفانه مربوط است و ماده‌ی ۳۲ کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز به عدم امکان استناد

به حقوق داخلی توسط دولت در عدم پیروی از تعهداتش به توقف فعل متخلفانه و جبران خسارت می‌پردازد. بنابراین همان طوری که در این ماده متذکر شده است، این گونه تعبیر می‌شود که حتی اگر دولت بتواند جلوگیری نماید از ایجاد ضرر به افراد غیرنظامی و خبرنگاران ولیکن آن تمهیدات لازم را که لازمه‌ی جلوگیری از ورود خسارت است برآورده نسازد هم مسئولیت دارد و می‌بایست جبران خسارت نماید و تفسیر این ماده به این مفهوم است که هرچند ممکن است ارگان دولتی با مانع پیروی از قواعد سیستم حقوق داخلی که ملزم به رعایت آن است مواجه شود، اما آن دولت نمی‌تواند به حقوق یا رویه‌ی داخلی خویش به‌عنوان مانعی قانونی برای ایفای تعهدات بین‌المللی استناد نماید؛ چراکه این ماده براساس حقوق معاهدات کنوانسیون ۱۹۶۹ وین و منطبق با ماده‌ی ۲۷ آن کنوانسیون تدوین گردیده است و مطابق آن طرف معاهده نمی‌تواند به مقررات حقوق داخلی خویش به‌عنوان توجیهی برای عدم اجرای یک معاهده استناد کند.

نکته‌ای که این‌جا قابل بحث است این مطلب می‌باشد که اگر دولتی عضو این کنوانسیون نباشد و مطابق حقوق داخلی خود اقدام نماید، باز هم نمی‌تواند مانع گردد که فرد متضرر نتواند دعوی خود را به مراجع ذیصلاح دیگر منجمله دیوان بین‌المللی کیفری و دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهد. چرا که این اصل می‌تواند با یک قاعده‌ی خاص مثل ماده‌ی ۴۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز توصیف گردد و اگر دولتی که باعث متضرر شدن فرد گشته تنها به جبران خسارت جزئی اقدام نماید فرد متضرر می‌تواند به استناد آن اصل، دولت را ملزم به جلب رضایت عادلانه نماید و آن را خواستار شود. و درواقع می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که، حقوق بین‌الملل نمی‌پذیرد که تعهدات دولت منوط به سیستم حقوقی داخلی او شده یا به مقررات آن سیستم به عنوان عذری برای عدم اجرای تعهدات مربوط به توقف و جبران خسارت استناد گردد. در ادامه به بررسی مواد ۳۴ الی ۳۷ کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد نقض تعهد پرداخته و شرح تفسیر آن‌ها را مطابق با جبران خسارت وارد به خبرنگاران در قالب نقض تعهد دولت در رخداد مخاصمات مسلحانه بررسی می‌نماییم.

۳-۵. «اشکال جبران» خسارت و زیان وارد شده ناشی از فعل متخلفانه

حال بایستی دید که جبران زیان وارده به خبرنگاران در قالب مواد مرتبط با جبران خسارت در طرح مواد چگونه رخ می‌دهد. درواقع همان طوری که در ماده‌ی ۳۴ کمیسیون حقوق بین‌الملل آمده است اشکال جبران شامل: جبران کامل زیان ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی مطابق مقررات این فصل به شکل اعاده وضع به حالت سابق، غرامت و جلب رضایت است که منفرداً یا مجتمعاً بر طبق مقررات این فصل صورت می‌گیرد. بنابراین مواد ۳۵، ۳۶ و ۳۷ طرح مواد را می‌توان به نوعی به عنوان مطالبه‌ی زیان وارد شده به خبرنگاران در نظر گرفت؛ و اگر زیان وارده به خبرنگاران به شکل

صرفاً مالی باشد، آن‌گاه دیوان تنها به دو شکل جبران خسارت یعنی اعاده‌ی وضع به حال سابق و غرامت پرداخت کردن رأی خواهد داد. اما در صورتی که لزوم تحصیل رضایت شرط باشد، آن‌گاه می‌بایستی به اشکال دیگری اقدام به جبران نمود که نوعاً با ترکیب اشکال مختلف جبران محقق می‌گردد. مثلاً، ممکن است تجهیزات رسانه‌ای خبرنگاران امحا گردد و علاوه بر خسارت مالی، ورود خسارت به گزارشات کسب شده از منازعات مسلحانه‌ی داخلی نیز اتفاق افتاده باشد. یعنی آثار فعل متخلفانه نیز از بین رفته باشد، هم‌زمان با تخریب متعلقات خبرنگاران، که در این حالت نیز جبران میزان خسارت با برخی یا تمامی اشکال جبران خسارت مندرج در ماده‌ی ۳۴ محقق می‌گردد؛ شایان ذکر است که جبران خسارت ناشی از نقض تعهد دولت صرفاً به تناسب آن عمل متخلفانه دولت اعمال می‌شود و یعنی تحمیل کردن چیزی بیش‌تر از آن عمل متخلفانه بر دولت به عنوان مسئول نقض تعهد، خطا است و قابل اعمال نمی‌باشد و صرفاً دولت در حد زیان وارده ملزم به پاسخگویی به فرد زیان‌دیده می‌باشد. شایان ذکر است که مطابق ماده‌ی ۳۱ طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در صورتی که از شکلی از جبران خسارت صرف‌نظر شده یا تحت شرایطی امکان ارائه‌ی آن وجود نداشته باشد، دیگر اشکال جبران به‌ویژه غرامت، از اهمیت بیش‌تری در جهت جبران خسارت برخوردارند.

۵-۴. «اعاده وضع به حال سابق» از باب جبران خسارت وارده ناشی از فعل

متخلفانه

در ماده‌ی ۳۵ کمیسیون حقوق بین‌الملل ذکر شده است که: دولت مسئول فعل متخلفانه، ملزم است که اعاده وضع به حال سابق کند. یعنی وضعیتی را که پیش از ارتکاب فعل متخلفانه وجود داشته است، مجدداً برقرار کند، مشروط بر آنکه و تا حدی که اعاده وضع به حال سابق: الف) از نظر مادی غیرممکن نباشد.

ب) متضمن تحمیل تکلیفی خارج از تناسب با مزیتی که از اعاده‌ی وضع به حال سابق به جای پرداخت غرامت حاصل می‌گردد، نباشد.

درواقع از این ماده، میتوان به این تعبیر نمود که در صورت ورود ضرر به خبرنگاران در حین مخاصمات مسلحانه داخلی، دولت می‌بایستی در صورت نقض تعهد نسبت به اعاده‌ی وضع زیان وارده به خبرنگاران در حدی که امکان جبران خسارت در قالب پرداخت و مادی باشد، اقدام نماید و هیچ‌گونه مسئولیت دیگری در قبال ضرر وارده در حد تناسب در اعاده به وضع سابق آن زیان ندارد؛ و می‌بایستی صرفاً آن وضعیت سابق را در نظر گرفته و به همان شکل جبران خسارت نماید. اگر اموال و متعلقات خبرنگاران را توقیف نموده نیز باید آن‌ها را رد نماید و یا اگر به آن‌ها خسارتی وارد شده است، مثل آن‌ها را تهیه نماید و تحویل خبرنگاران بدهد و یا اگر امکان تهیه‌ی همانند آن‌ها

نیست، قیمت آن را پرداخت نماید؛ و یا وضعیت قبلی آن‌ها را در نظر گرفته و درصد تعمیر آن‌ها به شکل سابق برآید و درواقع با یک ارزیابی کلی از وضعیت و خسارت پیش آمده و اینکه درصورت عدم وقوع فعل متخلفانه و ارتکاب عمل وضعیت آن چگونه میبوده است، اقدام به جبران ضرر نماید، که البته این اقدام به معنای محو آثار تخلف نیز میتواند متصور گردد. باید به این مطلب اشاره نمود که علیرغم ترجیح دولت‌ها به اعاده‌ی وضع به حالت سابق در قالب جبران ضرر وارده ناشی از نقض تعهد به جای پرداخت غرامت؛ در برخی از موارد مانند اعمال قواعد امره این امکان را تداعی می‌نماید که اعاده‌ی وضع به حال سابق به عنوان جنبه‌ای از پیروی از تعهد اولیه بوده و کاملاً ضروری است.

همین‌طور حالتی متصور است که دولت متخلف امکان اعاده‌ی وضع به حالت سابق را غیرممکن می‌یابد و یا این‌که تصور می‌نماید دیگر اشکال جبران خسارت ارجحیت دارند نسبت به اعاده‌ی وضع به حالت سابق، در این‌گونه موارد نهادی دیگر اقدام به داوری و تصمیم‌گیری می‌نماید مثل دیوان-های داوری و با عنایت و استفاده از مفاد شرط حل و فصل اختلاف بین دولت و طرف متضرر و یا موضع‌گیری‌های طرفین، نسبت به جبران زیان وارده حکم صادر می‌نماید و در قالب پرداخت غرامت در عوض اعاده‌ی وضع به حال سابق و در جهت منافع طرفین و منافع عمومی اقدام به داوری می‌نماید. همچنین نمونه‌هایی از اعاده‌ی وضع به حالت سابق در نظر گرفته شده‌اند از جمله، آزاد کردن خبرنگاران دستگیر شده توسط نیروهای درگیر در مخاصمات داخلی و یا دولت ناقض تعهد؛ در قلمروی دولت، که می‌بایستی آن‌ها را به دولت متبوع‌شان مسترد نماید و یا استرداد مادی و اموال افراد و خبرنگاران به آن‌ها و یا استرداد آثار و اسناد خبرنگاران به آن‌ها و یا حتی لغو یا تجدیدنظر نسبت به یک اقدام قضایی یا اداری که به شکل غیرقانونی در ارتباط با خبرنگاران یا اموال آن‌ها صورت پذیرفته است. مثلاً توقیف مجوز خبرنگاران براساس قانون داخلی برخلاف مقررات بین‌المللی و یا عدم صدور مجوز برای آن‌ها در داخل قلمرو دولت درگیر در مخاصمات داخلی و به نوعی سانسور وقایع که می‌بایست سریعاً اعاده‌ی وضع به حال سابق انجام گردد. درواقع واژه‌ی «اعاده‌ی وضع» و کاربرد آن در ماده‌ی ۳۵ بسیار وسیع است و هرگونه اقدامی را که می‌بایستی در تعهد دولت برای برگرداندن به وضعیت سابق ناشی از ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی است را شامل می‌شود، که البته بستگی به محتوای تعهد نقض شده دارد. و این تعهد به اعاده‌ی وضع به حال سابق تا حدی که قابل امکان باشد و غیرممکن نباشد هیچ‌گونه محدودیتی ندارد و یک استثناء بر ماده‌ی ۳۵ در بند (ب) نیز حاکم است و آن این است که اگر اعاده‌ی وضع به حال سابق متضمن تحمیل تکلیفی خارج از تناسب با مزیت حاصل از این امر بر دولت مسئول باشد، نیازی به برآورده نمودن آن نیست.

۵-۵. «غرامت» جهت جبران خسارت وارد شده ناشی از فعل متخلفانه

بین‌المللی

در متن ماده‌ی ۳۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل این‌گونه اشاره شده است که:

«دولت مسئول فعل متخلفانه بین‌المللی ملزم است بابت خساراتی که از ناحیه‌ی آن فعل ایجاد شده، در صورتی که خسارات با اعاده‌ی وضع به حال سابق جبران نشود، غرامت بپردازد و همچنین غرامت باید هر گونه خسارت قابل ارزیابی مالی هم‌چون عدم‌النفع را تا جایی که مسلم است دربر گیرد».

همان‌گونه که در ماده‌ی ۳۲ کمیسیون حقوق بین‌الملل یاد گردیده است: زمانی که فعل متخلفانه بین‌المللی از سوی دولت سر می‌زند و نمی‌تواند در حالت اعاده‌ی وضع به حالت سابق آن اقدام نمود. آنگاه می‌بایستی به جای آن از حالت پرداخت غرامت جهت جبران ضرر و زیان وارده به خبرنگاران درگیر در مخاصمات مسلحانه‌ی بین‌المللی استفاده نمود و منظور هرگونه خسارت مادی و معنوی وارد به افراد است.

هم‌چنین همان‌طوری که در بند ۲ ماده‌ی ۳۶ ذکر گردیده است، خسارت مادی وارد شده به خبرنگاران قابل ارزیابی است به این معنی که خسارات عاطفی و معنوی وارد به آن‌ها با مادیات و خسارات مالی یکسان تصور نمی‌گردد و در این حالت می‌بایستی حتماً نسبت به جلب رضایت از خبرنگاران دچار ضرر و زیان شده از ناحیه‌ی دولتی که عمل متخلفانه از ناحیه‌ی آن سر زده است، اقدام گردد. شایان ذکر می‌باشد که در رویه‌ی بین‌المللی؛ غرامت پرداختن به افراد متضرر ناشی از فعل متخلفانه دولت به عنوان یک روش معمول متصور است؛ و دیوان بین‌المللی صالح است تا نسبت به پرداخت غرامت رأی مقتضی را صادر نماید.

البته می‌بایست به این نکته نیز اشاره نمود که در واقع یک رابطه‌ی دوسویه میان غرامت و اعاده‌ی وضع به حال سابق در این بند از ماده‌ی ۳۶ برقرار است؛ چرا که بعضاً اتفاق می‌افتد که اعاده‌ی وضع به حال سابق نتواند جبران کامل خسارت وارده را بنماید و نقش پرداخت غرامت در این‌گونه موارد بسیار مشهود است. مفهوم بنیادین «خسارت» جبران ضرر و زیان وارده یعنی «غرامتی» است که قانوناً برای ارتکاب یک تخلف (نقض تعهد) تعیین می‌شود. جبران باید متناسب با ضرر وارده باشد تا طرف متضرر را به وضعیتی برساند که انگار نقض تعهد رخ نمی‌داد (R.I.A.A., (Vol. VII, P.32 (1923), at p.39 (emphasis in original).

به همین ترتیب دیوان دائمی نقش غرامت را این‌گونه توصیف کرده است:

«اعاده‌ی وضع به حال سابق یا در صورت عدم امکان، پرداخت خسارت حاصل از ضرر و زبانی که با اعاده‌ی وضع به حال سابق یا پرداخت ما به ازای آن جبران نشود، اصولی هستند که

باید برای تعیین میزان غرامتی که از بابت فعل مغایر حقوق بین‌الملل باید پرداخت شود به‌کار گرفته‌شوند» (Factory at Chorzow, Meritz, 1928, P.C.I.J., Series A, No. 17, P.47). استحقاق دریافت غرامت برای چنان ضرر و زیان‌هایی به‌طور گسترده‌ای در رویه‌ی قضایی، رویه‌ی دولت‌ها و دکتترین مورد حمایت قرار گرفته است. در واقع نتیجه‌ی ارتکاب فعل متخلفانه از سوی دولت خاطی در عرصه‌ی بین‌المللی همان جبران ضرر و زیان است که در قالب خسارت مادی و واقعی صورت پذیرفته و در چنین حالتی غرامت پرداخت می‌گردد و کارکرد ماده‌ی ۳۶ صرفاً از نوع پرداخت غرامت می‌باشد؛ و غرامت می‌بایست با خسارت وارده به اتباع دولت همخوانی داشته باشد و بدین مفهوم که ارزش خسارت معادل غرامت پرداختی گردد. در واقع هدف اصلی غرامت و پرداخت مال در واقع همان جبران خسارت وارده به دولت زیان‌دیده و یا فرد تابعه‌ی آن دولت بر اثر نقض تعهد است.

در ماده‌ی ۳۶ بند دوم نیز از آن به عنوان تعهد دولت مسئول به جبران آثار ناشی از ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی بیان شده است و این ماده به عنوان تعهد دولت مسئول به جبران آثار ناشی از ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی بیان گردیده است. شایان ذکر است که محاکم و دیوان‌های بین‌المللی در موارد متعدد غرامت مربوط به صدمات شخصی را ارزیابی کرده‌اند. همچنین مراجع حقوق بشری و دادگاه اروپایی نیز به مسئله‌ی غرامت بابت صدمات شخصی پرداخته‌اند و بنابراین دولت ناقض تعهد می‌بایستی غرامت متناسب را به خبرنگاران متضرر پرداخت نماید.

۵-۶. «جلب رضایت» جهت جبران خسارت وارد شده ناشی از فعل متخلفانه

دولت

در ماده‌ی ۳۷ کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان گردیده است که دولت مسئول فعل متخلفانه بین‌المللی ملزم است از باب زیان‌های ناشی از آن فعل که با اعاده‌ی وضع به حال سابق یا پرداخت غرامت جبران نشود، رضایت خاطر دولت زیان‌دیده را جلب کند. همچنین در بند دوم ماده ذکر گردیده است که جلب رضایت ممکن است شامل پذیرش نقض، اظهار تأسف، عذرخواهی رسمی یا هر روش مناسب دیگری باشد و در بند سوم ماده‌ی ۳۷ نیز ذکر گردیده است که جلب رضایت باید با زیان وارده متناسب بوده و برای دولت مسئول تحقیرکننده نباشد.

درواقع در این ماده به نوع سوم از انواع جبران خسارت ناشی از فعل متخلفانه دولت مسئول یاد شده است که می‌بایست اقدام به جبران کامل خسارت و زیان وارده به افراد تابعه نماید؛ و این تنها در صورتی است که حالت اعاده‌ی وضع به حال سابق و یا پرداخت غرامت میسر نبوده باشد و دولت می‌بایستی به واسطه‌ی زیان‌های وارده به افراد و جبران کامل خسارت اقدام به جلب رضایت نماید. در بند اول این ماده اشاره به نوع زیان در قالب ماهیت حقوقی روش جلب رضایت می‌نماید و در بند

دوم به شکل‌های گوناگون جلب رضایت می‌پردازد و در بند آخر نیز اشاره به محدودیت‌های مربوط به تعهد به جلب رضایت نموده است؛ بنابراین طبق این ۳ بند یاد شده، زیان شامل خسارت مادی و معنوی است و همچنین جلب رضایت می‌تواند به اشکال گوناگون مانند اذعان به نقض تعهد و اظهار تأسف و یا حتی عذرخواهی رسمی محقق گردد؛ و در واقع معمولی‌ترین روش جلب رضایت، اعلام متخلفانه بودن فعل توسط دیوان صالح به رسیدگی است. در مورد عذرخواهی رسمی که یکی از اشکال جلب رضایت است نیز این شکل می‌تواند به صورت شفاهی و یا به صورت کتبی و حتی توسط رئیس دولت مرتکب عمل متخلفانه صورت بپذیرد که البته می‌بایستی به این مهم توجه نمود که جلب رضایت نمی‌بایستی برای دولت مسئول به صورت تحقیق‌کننده صورت پذیرد و این به مفهوم رعایت تناسب جلب رضایت با زیان وارده به خبرنگاران متضرر نیز تلقی می‌گردد.

۶. نتیجه‌گیری

دولت‌ها در قبال خبرنگاران در صورت ورود ضرر و زیان ناشی از مخاصمات داخلی مسئولیت دارند. براساس حقوق بین‌المللی و مواد کمیسیون، انواع مسئولیت‌های مدنی، کیفری و انتظامی برای دولت‌ها در قالب تعهدات نافذ است؛ همچنین پروتکل‌ها و کنوانسیون‌ها و مواد طرح شده در متن مقاله و حقوق بشردوستانه همگی گواه بر این مدعا هستند که اصل بی‌طرفی در برابر روزنامه‌نگاران با عنایت به انصاف در عمل و حرفه‌ی گزارشگری در حین مخاصمات داخلی و یا بین‌المللی می‌بایستی رعایت گردد. همچنین با بررسی طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در قالب تعهدات بین‌المللی مرتبط با تمامیت جسمانی یا تمامیت معنوی و همچنین مسئولیت‌های قانونی خبرنگاران در قبل دولت‌ها به صورت متقابل با عنایت به روابط دولت‌ها با اتباع بیگانه و خودی به عنوان تابعان اصلی دولت‌ها در قالب پیگیری خسارت‌های دیپلماتیک قابل تصور است.

چرا که در نزاع‌های مسلحانه و جنگ‌ها به‌نوعی خبرنگاران طفیلی دولت‌ها هستند و خودشان نمی‌توانند مستقیماً اقامه‌ی دعوا نمایند و بنابراین دولت‌های متبوع و یا سازمان‌های تحت پوشش خودشان را در قالب معاهدات بین دولت‌ها جهت مطالبه‌ی حقوق ناشی از نقض تعهدات صورت گرفته خاص خود می‌دانند؛ چرا که طبق قواعد حمایت دیپلماتیک بین دولت‌ها، دعوای فرد خارجی در صورت ورود زیان با دولت خاطی تبدیل می‌گردد به دعوای بین دو دولت که باید در حالت مناسبات دیپلماتیک اقامه دعوا گردد؛ چرا که براساس منابع حقوق بین‌المللی معاهدات و عرف‌های بین‌المللی و اصول کلی حقوق و دکتترین حقوقی دولت‌ها مسئول هستند در صورت عدم رعایت تعهدات در وضعیت نقض تعهد و عدم رعایت آن پاسخگو باشند؛ چرا که این منابع منجر به پذیرش و اطاعت از قاعده‌ی حقوقی بین‌المللی می‌گردد و لازم‌الاتباع هستند و از گستره‌ی قواعد حقوقی داخلی خارج می‌گردد و دولت‌ها مبنای الزام‌آوری قواعد حقوقی بین‌المللی را که خارج از اراده‌ی آن -

هاست، می‌بایست رعایت نمایند و بنابراین در مقابل زیان‌های وارد به خبرنگاران در خلال مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی بر طبق قواعد بین‌المللی مسئولیت دارند و مکلف به جبران خسارت هستند و البته این به مفهوم عدم امکان طرح دعوی توسط شخص خبرنگاران در مراجع ذیصلاح بین‌المللی تلقی نمی‌گردد و آن‌ها می‌توانند شخصا نیز اقامه دعوی و پیگیری لازم را جهت جبران ضرر و زیان وارده ناشی از فعل و عمل ارتكابی متخلفانه دولت را انجام بدهند.

از طرف دیگر، در ضمن حفظ امنیت کشور که در قالب میثاق حقوق مدنی انجام می‌گردد، به دلیل الزام اعمال حاکمیت، از دیدگاه حوزه‌ی حقوق بین‌المللی نیز بحث شد که در صورتی که یک عمل غیرقانونی انجام گردد از سوی دولت در قالب نقض تعهد که همان رعایت غبطه‌ی خبرنگاران و عدم ورود زیان ناشی از نقض تعهد است با توجه به طرح مواد، مفهوم مسئولیت و چیستی آن به عنوان پیامدی بر نقض یک تعهد دولت در عرصه‌ی بین‌المللی تعریف گردید و بنابراین نتیجه‌گیری می‌شود که مسئولیت یک مفهومی جدا از تعهد است؛ به این معنی که اولاً تعهدی وجود دارد که اگر آن تعهد نقض گردد و رعایت نشود، آن‌گاه مسئولیت به وجود می‌آید و درواقع مسئولیت ناشی از ورود ضرر به خبرنگاران به عنوان تخطی از تعهدات بین‌المللی در قالب ورود زیان ناشی از مخاصمات داخلی و عدم رعایت تعهد از ناحیه‌ی دولت نقض‌کننده قابل تصور است؛ یعنی فرض بر این است که ورود ضرر به خبرنگاران یک تخطی از قانون و تعهد هست و نقض و عدم رعایت حفاظت از آن موجب مسئولیت دولت است؛ و مسئولیت دولت‌ها ناشی از عدم برقراری شرایطی که موجب ورود ضرر به خبرنگاران می‌شود در مخاصمات مسلحانه در پرتو رویه‌ها و پروتکل‌ها و کنوانسیون‌ها و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل که همه، گواه بر حق برخورداری از امنیت جانی و مالی خبرنگاران است تعهداتی را ایجاد می‌کند برای آن دولت‌ها و اگر دولت رفتارش را منطبق با آن تعهدات نکند، دارای مسئولیت می‌شود و منجر به جبران ضرر و زیان وارده می‌گردد.

منابع

- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۷). **مسئولیت بین‌المللی دولت: ترجمه متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل**. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، تهران: انتشارات شهر دانش.
- اقطاعی، فاطمه (۱۳۸۷). «تهیه گزارش در زیر آتش: امنیت جانی و رفاه عاطفی خبرنگاران»، **فصلنامه رسانه**، (۱۹)، صص ۱۳۴ - ۱۱۹.
- تامبر، هوار، اقطاعی، فاطمه (۱۳۸۷). «تهیه گزارشی در زیر آتش، امنیت جانی و رفاه عاطفی خبرنگاران». **فصلنامه رسانه**، ۲، صص ۱۳۴ - ۱۱۹.
- توکلی طیبی، علی و منصور، فرنگیس، رضایی، محمدتقی و حبیب‌زاده، توکل (۱۳۹۲). «مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی (با تحلیلی اجمالی از بحران سوریه)». **مجله حقوقی بین‌المللی**، ۴۹، صص ۹۶ - ۶۱.
- سرتیبی، حسین (۱۳۹۱). «بررسی و نقد ترور هدفمند، مبارزه با تروریسم و حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، ۳۸، پاییز و زمستان.
- شارل، روسو (۱۳۶۹). **حقوق مخاصمات مسلحانه**. ترجمه سید علی هنجنی، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
- شایگانی، فریده (۱۳۹۵). «اعمال حقوق بی‌طرفی در فضای سایبر»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، ۴۶، صص ۳۵۷ - ۳۳۷.
- شرف‌پور، فرهاد (۱۳۹۷). «خبرنگار جنگ و اقدامات حمایتی»، تهران: **ایرنا**.
- صمدی رندی، یونس (۱۳۸۱). «نگاهی به پروتکل ۱۹۹۹ (پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه راجع به حفاظت از میراث فرهنگی در قبال صدمات ناشی از مخاصمات مسلحانه لاهه، ۲۶ مارس ۱۹۹۹)»، **فصلنامه علمی اثر**، ۳۳، ۳۴، صص ۴۴۰ - ۴۲۴.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۰). «مشروعیت جنگ و توسل به زور از دیدگاه حقوق بین‌الملل». **مجله سیاست خارجی**، سال پنجم.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۳). «نگرشی بر مسئولیت بین‌المللی ناشی از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه». **فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست**، ۱۳، صص ۱۸ - ۵.
- عسکری، پوریا (۱۳۹۵). «عدالت پس از جنگ و مسئولیت حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه»، **فصلنامه مطالعات حقوقی عمومی**، ۴۶، صص ۹۷۶ - ۹۵۷.
- کاسسه، آتونبو (۱۳۷۰). **حقوق بین‌الملل در جهان نامتحد**. تهران: انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
- گزارش دویچه وله فارسی (۱۳۸۷). «بازداشت احتمالی یکی از عاملان ترور خبرنگاران دویچه وله». **خبرگزاری دویچه وله فارسی**.
- لسانی، سیدحسام‌الدین و کاظمی، احمد (۱۳۹۵). «حمایت از سربازان و نیروهای خودی در مخاصمات مسلحانه و اشغال نظامی (بررسی تطبیقی حقوق بین‌الملل و اسلام)»، **فصلنامه‌ی پژوهشی تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، سال سوم، شماره ۴، صص ۱۸۴ - ۱۵۳.

- مالرب، پل راجرز (۱۳۸۲). **قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه**. ترجمه کمیته‌ی ملی حقوق بشردوستانه، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- مدنی، سیدجلال (۱۳۷۷). **حقوق بین‌الملل عمومی**. ج ۲، تهران: پایدار.
- مصفا، نسرين و دیگران (۱۳۶۵). **مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل**. تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران.
- میرعباسی، سیدباقر (۱۳۸۵). **حقوق بین‌الملل عمومی**. ج ۲، تهران: میزان.
- نظیفی، عباس و جعفری، سید اصغر (۱۳۹۰). «نگاهی تحلیلی بر مخاصمات مسلحانه در دو دیدگاه: اسلام و حقوق بین‌الملل»، **فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوقی**، ۵۴، صص ۲۲۹ - ۱۷۹.
- نوری‌زاده، ابوالفضل (۱۳۹۱). «جنگ رسانه‌ای»، **مجله جهاد سایبری**.
- هنجی، علی (۱۳۸۳). «پیدایش حقوق بشردوستانه جنگ و جلوه‌هایی از حفظ حیثیت انسانی در رفتار رزمندگان با یکدیگر»، **مجله تحقیقات حقوقی**، ۳۹، بهار و تابستان.

Cassese, A(2005). **International Law**, Oxford University Press, Second Edition.

Doswald – Beck, Louise (2002), “Some Thoughts on computer Network attack and the International law of Armed conflict”, **International Law studies**, Vol. 76, pp. 163-185.

Heinegg, Wolff Heintschel von (2012), “Neutrality in cyberspace”, **4th International conference on cyber conflict**, available at: [https://ccdcoc.org/sites/default/files/multimedia/pdf/1_3_von_Heinegg_Neutrality In Cyberspace. Pdf](https://ccdcoc.org/sites/default/files/multimedia/pdf/1_3_von_Heinegg_Neutrality%20In%20Cyberspace.Pdf)>. 2014/4/6.

Hingorani, R. C., (1982), **Modern International Law**, 2nd, New Delhi: Oxford and IBH publishing Co.

I Jnet (International Journalists Network) (2011) (www.ijnet.org).

IFEX (The Global Network defending and promoting free expression) (www.Ifex.org).

IFJ (International Federation of Journalists) (2001) ([www.ifj.org/hrights/killlist/ kill/ 1.html](http://www.ifj.org/hrights/killlist/kill/1.html)) .

Kalin, S, (2019), Khashoggi murder ‘happened under my watch’, **Saudi crown prince tells PBS**. REUTERS.

Kelsey, Jeffrey T.G. (2008), “Hacking in to International Humanitarian Law: the principles of Distinction and Neutrality in the Age of Cyber warfare”, **Michigan Law Review**, Vd. 106, No. 7, pp. 1427-1451.

Melzer N., “Interpretive Guidance on the Notion of Direct participation in Hostilities under International Humanitarian Law”, **ICRC** (May 2009), pp. (1-99).

Parks, W.(1989). “Memorandum of Law: Executive order 12333 and Assassination”, **Army Law**. 4, 7-8 (1989).

protocol I, (8 Juan 1977), protocol Additional to the Geneva - Conventions of 12 August 1949, and relating to the protection of victims of International

Armed conflicts (Protocol I), Available from: [https://ihl-data bases. Icrc.org/ihl/INTRO/470? open Document.](https://ihl-data.bases.icrc.org/ihl/INTRO/470?openDocument)

Retrieved from 2007: [https://www.dw.com/farsi.](https://www.dw.com/farsi)

Ricchiardi, S.(2013). **The committee to protect Journalists Rides to the Rescue of Reporters and editors**, American Journalism Review.

San Remo Manual on International Law Applicable to Armed conflicts at sea, 12 Juan 1994.

Schmitt M.(1992). “State – Sponsored Association in International and Domestic Law”, **Yale Journal of International Law**, Vol. 17



پیشہ ورانہ گاہ علوم اسلامی و مطالعات قرآنی
پرنٹنگ ہاؤس